

## مربع نعتیه

از امام العصر حضرت علامه انور شاه کشمیری رَحْمَةُ اللهِ



دوش چون از بینوائی همنوای دل شدم عهد ماضی یاد کرده سوی مستقبل شدم  
از سفر وامانده آخر طالب منزل شدم کز تگاپو سو بسو شام غریبان در رسید



دشت و گلگشت و بهارستان و خارستان بهم فکر وهم همدم نفس اندر قفس زاد ره  
پیش و پس، بانگ جرس از کاروان در هر قدم دیده عبرت کشودم مخلصی نامد پدید



تا سُرُوش غیب از الطاف قدسَم یاد کرد رحمت حق همچو من درمانده را امداد کرد  
مَأْمِنُ خَيْرِ الْوَرَى بهر نجات ارشاد کرد مقصد هر طالب حق، آن مراد هر مرید



قبله ارض و سماء میرآت نور کبریا سید و صدر علی شمس ضحی بدر دُجی  
شافع روز جزا وانگه خطیب انبیاء صاحب حوض و لواء ظلّ خدا روز عتید



صاحب خُلق عظیم و مظهر جود عمیم آیت رحمت که شان او رؤف است و رحیم  
رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِین خواندش خلدوند کریم خُلق و خُلق و قول و فعل و هدی و سمت او حمید



دست او بیضا ضیا اجودتر از باد صبا حَبْدًا وقت عطا ابر سخی آب بقا  
وقف امرِ عالمی بر ضُحک آن رحمت لِقَا عام اَشْهَب از جمال طلعتش عید سعید



داغ مهر او چراغ سینه اهل کمال شور عشقش در سر عَمّار و سلمان و بلال  
ثبت بر ایامی وی نعمان و مالک بی خیال دالّه آثار وی معروف شبلی بایزید



از حدیث وی سَمَر در حیطة اهل آثر      مُسَلِّم و مثل بخاری وقف بر وصل سیر  
سنت بیضای وی نور دل هر با بصر      اتقیاء را اَسوۀ اقدام وی تقلید چید



سید عالم، رسول و عبد ربِّ العالمین      آن زمان بوده نبی کادم بُد اندر ماء و طین  
صادق و مصلوق و حی غیب و مامون و امین      درهر آن چیزی که آوردست از وعد و وعید



منبر او سدره و معراج او سُبُع قُبَاب      در مقام قربِ حق بر مقدم او فتح باب  
کاندر آنجا نور حق بود و نَبْدُ دیگر حجاب      دید و بشنید آنچه جز وی کس نه بشنید و ندید



مدح حالش رفع ذکر و شرح و صفش شرح صدر      او امام انبیاء صاحب شفاعت روز حشر  
همگنان زیر لوایش یومِ عرض و نیست فخر      سید مخلوق و عبد خاص خلاق مجید



أَخِيرَ وَ خَيْرُ الْوَرَى ' خَيْرُ الرُّسُلِ خَيْرُ الْعِبَاد      فِدْوَةٌ اهل هدایت، اَسوَةٌ اهل رشاد  
نغمه ای از همّت او خلق را زادِ معاد      عالم از رشحاتِ انفاسِ کریمش مستفید



انتخاب دفتر تکوین عالم، ذات او      برتر از آیاتِ جمله انبیاء آیات او  
مشرق صبح وجودِ ماسوا مشکوة او      مستنیر از طلعت او هر قریب و هر بعید



دین او دین خدا تلقین او اصلِ هُدَى '      نطق او وحی سماء حَقًّا نجومِ إهتنا  
صاحب اسرار او ناموس اکبر برملا      علم او از اولین و آخرین اندر مزید



مولدش أُمُّ الْقُرَى ' مُلْكَش به شام آمد قریب      خاک راه طیبَه از آثار وی بهتر ز طیب  
شرق و غرب از نشر دین مستطابش مستطیب      اُمّش خَيْرُ الْأُمَمِ بر اُمتان بوده شهید



خاص کردش حق به اعجاز کتاب مستطاب      حجت و فرقان و مُعْجِز، مُحْكَم و فصل خطاب  
نجم نجمش در براءت هست برتر ز آفتاب      حرف حرف او شفا هست و هُدَى ' بهر رشید



الغرض از جمله عالم مصطفی و مُجْتَبِیْ  
خاتمِ دَورِ نبوْت تا قیامت بی مُرا  
افضل و اکمل ز جمله انبیاء نزد خدا  
نعت اوصاف کمال او فزون تر از عدید



تا صبا گلگشت گیبهان کرده میباشد مُدام  
بوی گل بر دوش وی گردد بعالم صبح و شام  
باد بر وی از خدای وی درود و هم سلام  
نیز بر اصحاب و آل و جمله اخیار عبید



وز جناب وی رضا بر احقران مُستهم  
خاصه آن احقر که افقر هست از جمله اَنام  
مُستغیث است الغیاث ای سرورِ عالی مقام  
در صله از بارگاہت در نشید این قصید



اللُّعْمُ صَلِّ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ

وَ عَلَی آلِهِ وَ اصْحَابِهِ وَ بَارِكْ وَ سَلِّمْ کَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى عِنْدَ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

